

نبرد قلمون غربی رامی توان یکی از نقاط اوج همبستگی و هماهنگی میان نیروهای گوناگون محور مقاومت ارزیابی کرد که توانستند به خوبی از پس اجرای وظایف محوله بر آیند



شده به محلی برای آموزش، درمان و آماد و پشتیبانی تروریستهای تکفیری بدل شده بود که پشتوانه لجستیکی این نیروها را در سوریه تامین می کرد و حاشیه امنی برای آنان دور از آتش نیروهای سوریه فراهم آورده بود. بنابراین نیروهای مقاومت موفق شدند که این پناهگاه مهم را آزاد کرده و تروریستهارا از خاک لبنان بیرون کنند. البته در این راستا بهره گیری از روش محاصره سپس واداشتن دشمن به خروج از منطقه نیز چون موارد مشابه در زبدانی یا حلب موفقیت آمیز بود و ضمن تضمین پیروزی از وارد آمدن خسارات و تلفات به نیروهای مقاومت هم پیشگیری کرد. امروز و پس از گذشت شش سال از شروع بحران سوریه و در پی آن عراق، شکی نمی توان داشت که از اهداف بنیادین این بحران آفرینی، فرسایش و در نهایت شکست جبهه مقاومت و هسته آن حزب الله لبنان بوده است. محور غربی-عربی با آگاهی از چگونگی جنگهای شهری و چریکی و فرسایش بالایی که از رهگذر

این گونه نبردها عارض نیروهای درگیر می شود بر این گمان بود که با ورود حزب الله برای کمک به نیروهای ارتش و مردمی سوریه، توان حزب الله دچار فرسایش خواهد شد. حزب الله لبنان اما، با بهره گیری از تجربه های گران سنگ نبرد های شهری چه در عرصه عمل و چه در عرصه نظر توانست با مدیریت درست میدان نبرد و اجرای دقیق فرمانهای فرماندهی با پیروزی از چالش مهم فرسایش و خستگی نیروها گذر کرده و همچنین با تحلیل درست تحركات دشمن، آبدیده تر از گذشته شود. از آنجا که در حال حاضر اثر گذارترین نیرو در برابر اسرائیل، جنبش حزب الله است، طبیعی خواهد بود که پیروزیهای پی در پی آنان نگرانی مقامات تل آویو را در پی داشته باشد. این نگرانی از تازه ترین گفته های نتانیاهو، نخست وزیر این

رژیم که ادعا کرده ایران در لبنان و سوریه کارخانه تولید موشکهای نقطه زن می سازد هم مشخص است. بنابراین وجه مهم دیگر افزایش توان و برد عملیاتی حزب الله، تهدیدی است که برای آینده نبرد با ارتش صهیونیستی پدید می آورد.

*** نتیجه گیری**

نوار پیروزیهای پی در پی نیروهای محور مقاومت که از شهر تلعفر در عراق و مرز این کشور با سوریه تا غربی ترین مرزهای سوریه و لبنان در قلمون غربی گسترده شده، پایان فتنه تکفیریه را نوید می دهد.

البته این امر به معنای نابودی قطعی و فوری پدیده تروریسم در منطقه نخواهد بود چرا که پدیداری این بحران و پیامدهای بغرنج آن جدا از دستکاری بازیگران منطقه ای و فرمانتقه ای، ریشه در دهه ها حکمرانی بد در خاورمیانه دارد که حل و فصل آن نیازمند سالها تلاش و پیگیری در راستای رفع محرومیت های اقتصادی و اجتماعی و احترام به حقوق شهروندی مردمان کشورهای درگیر بحران است.

بنابراین باید توجه داشت که آنچه بیش از همه مد نظر است گذر پیروزمندانه مقاومت از آتش فتنه قومی، طائفی و مذهبی است که طراحانش هدف نهایی خود را شکست محور مقاومت و زمینه سازی برای سازش کلی با رژیم صهیونیستی قرار داده بودند.

کشورهای غربی و رسانه های جریان اصلی تبدیل شده و حال اندکی برایشان دشوار است که اعتراف کنند خشونت، افراط گرایی و عدم تحمل و مدارا با دیگر اقوام و مذاهب حد و مرز نمی شناسد و در دنیایی که کشتار مخالفان به رویت ثابت آن تبدیل شده، مسلمانان نیز گاهی قربانی هستند. مسلمانانی که همچون یهودیان صهیونیست، نه دلالان و کارگزاران بازار بورس و تجارت جهانی هستند که با استفاده از قدرت ناشی از آن حمایت های بین المللی را به سمت خود جلب کنند و نه تسلطی بر غولهای رسانه ای دارند که بتوانند با نمایش فجایعی که بر آنها می رود، افکار عمومی جهان را به سمت خود جلب و کشوری جدید برای خود پیدا کنند. مسلمانان روهنگیا تنها جهان اسلام را دارند، جهانی که خود پر از آشوب، جنگ، اختلاف و تفرقه است، اما امید می رود هنوز اندک دغدغه ای برای رسیدگی به اوضاع مسلمانان جهان برایش باقی مانده باشد و بتواند با فعال سازی سازمان همکاری های اسلامی و سایر نهادهای حقوق بشری بین المللی، درمانی برای اوضاع نابسامان مسلمانان آواره میانمار پیدا کند.

میانمار یکی از کم توسعه یافته ترین اقتصادها در جهان است و استان راخین که محل زندگی بیش از یک میلیون مسلمان روهنگیاست، فقیرترین منطقه میانمار به شمار می رود

توسعه یافته ندارد. همین مسأله توضیح می دهد که چرا هیچیک از کشورهای مدافع حقوق بشر حاضر نیستند به خاطر نسل کشی های رخ داده در آن، دست به اقدامی جدی بزنند. از سوی دیگر متهم کردن مسلمانان به افراط گرایی و تروریسم در سالهای اخیر به رویت ثابت

مهاجرت یا اخراج آنها هستند. به دلیل حاکمیت چنین شرایطی در کشور میانمار، تا کنون دهها هزار مسلمان روهنگیا از ترس خشونت های اکثریتی بودایی و حتی نظامیان میانمار گریخته و به کشورهای همسایه از جمله بنگلادش رفته اند. در روزهای اخیر نیز هزاران نفر از مسلمانان روهنگیا در پی دور جدید خشونت ها در استان راخین از خانه های خود فرار کرده و به سوی مرز بنگلادش رفته اند. این در حالی است که بنگلادش نیز اعلام کرده است دیگر توان پذیرش مهاجران جدید را ندارد بنابراین مهاجران مسلمان در پشت مرزهای این کشور آواره شده اند و در شرایط بسیار اسف باری به سر می برند و به علت بارش بارانهای موسمی و نداشتن سرپناه، سلامت و زندگی آنها در خطر است. میانمار یکی از کم توسعه یافته ترین اقتصادها در جهان است و استان راخین که محل زندگی بیش از یک میلیون مسلمان روهنگیاست، فقیرترین منطقه میانمار به شمار می رود. میانمار حاوی منابع غنی نفت و گاز نیست و ارزش مادی خاصی برای کشورهای



روزهای سخن بهایی است که باید برای سرفرازی پرداخت

• بیرون